

نقش تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس در مدیریت پیشگیری از جرم^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۶

از صفحه ۷۵ تا ۹۸

محمد اسدی فرد^۲، حسین ذوالفقاری^۳، عبدالله هندیانی^۴، داود دعاگویان^۵

چکیده

تعامل اجتماعی کارکنان پلیس با مردم به‌عنوان یکی از مهارت‌های مهم ارتباطی پلیس نقش به‌سزایی در اجرای هرچه بهتر مأموریت‌ها به‌ویژه در زمینه مدیریت پیشگیری از جرم دارد. هدف این مطالعه، بررسی نقش تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس در مدیریت پیشگیری از جرم است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است. در بخش نظری با بهره‌گیری از نظریه‌های مطرح علمی در خصوص تعاملات اجتماعی و سرمایه اجتماعی به تدوین سه فرضیه و در بخش تجربی، از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به‌وسیله نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین مراجعان به کلانتری‌های فاتب بین سنین ۱۵ تا ۶۰ سال به روش احتمالی تعیین و اطلاعات لازم از شهروندان تهرانی جمع‌آوری شد. برای سنجش پایایی تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد که با حذف دو گویه غیر مرتبط، پرسشنامه با آلفای ۰/۸۵ تأیید شد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که میزان تعامل اجتماعی کارکنان پلیس با مردم از دید پاسخگویان در حد متوسط و اعتماد مردم به پلیس به میزان زیاد است. با اثبات سه فرضیه تحقیق مشخص شد که تعاملات اجتماعی پلیس با مردم خصوصاً در ابعاد سه‌گانه گفتگویی، عاطفی و مبادله‌ای همگی تأثیر به‌سزایی در افزایش همکاری مردم با پلیس در طرح‌های پیشگیرانه انتظامی در سه وضعیت کیفری، وضعی و اجتماعی داشته و همبستگی ۰/۸۸ بین متغیرها و $R^2 = ۰/۷۷$ تأیید کننده آماری این رابطه است.

کلید واژه‌ها: تعاملات اجتماعی، کارکنان پلیس، مدیریت، پیشگیری از جرم، مردم.

استناد: اسدی فرد، محمد؛ ذوالفقاری، حسین؛ هندیانی، عبدالله و دعاگویان داود (زمستان ۱۳۹۶). نقش تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس در مدیریت پیشگیری از جرم. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۲(۴۸)، صص ۷۵-۹۸.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین است.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول: m.fard919@gmail.com

۳. دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین، zolfagharih@yahoo.com

۴. دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین، Hendiani.s_1343@gmail.com

۵. دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین، da.doagooyan@yahoo.com

مقدمه

امروزه نیروهای پلیس در اکثر کشورهای پیشرفته، ضمن حفظ اقتدار سازمانی، ارتباط خود را با جامعه بیشتر کرده‌اند. در این دوره، پلیس در جهت برقراری یک رابطه نزدیک با افراد جامعه حرکت می‌کند. از این رو، کارکنان پلیس تعامل نزدیکی با افراد جامعه داشته و ضمن آموزش و آگاه‌سازی، آن‌ها را در حل و فصل منازعات و اختلافات محلی یاری می‌دهند. طبق این رویکرد، پلیس باید همواره در دسترس مردم، همجوار با مردم و در تماس مستقیم و مستمر با شهروندان و مسائل آن‌ها باشد. پلیس می‌تواند با آگاهی از واقعیت‌های جامعه‌شناختی اقدام به برنامه‌ریزی و مدیریت جهت پیشگیری از جرم کند. راهبرد اساسی پلیس، مشورت و رایزنی منظم و نظام‌مند با جامعه و تشکل‌های مردمی و اتخاذ تدابیر مناسب محلی برای پیشگیری از جرم در محله‌های جرم‌زا است. بنابراین، نقش کارکنان پلیس در پیشگیری از جرم تنها به تحقق اهداف پیشگیری وضعی نظیر نظارت بر اماکن جرم‌زا، تقویت آماج جرم و حفظ نظم منحصر نمی‌شود؛ بلکه امروزه با پیدایش دوره جامعه‌گرایی و مفهوم پلیس محلی، بر نقش این نهاد رسمی در تحقق اهداف پیشگیری اجتماعی اعم از آموزش، آگاه‌سازی و میانجی‌گری در اختلافات محلی نیز تأکید شده است. آنچه مسلم است توسعه تعاملات اجتماعی ناجا در جلب اعتماد اجتماعی و تعمیق همکاری‌های دوجانبه مؤثر است.

وظیفه اصلی نیروی انتظامی در جامعه برقراری نظم و امنیت است که برای دستیابی به آن، راه‌های متعدد سنتی و نوین وجود دارد، برخی از این اقدامات سلبی و سخت افزارانه بوده؛ یعنی از طریق کنترل و برخورد قاطع با متخلفان و مجرمان صورت می‌گیرد و برخی دیگر جنبه ایجابی و نرم‌افزارانه داشته و پلیس می‌تواند با رویکردهای پیشگیرانه و تعامل با جامعه و نهادهای مدنی نقش به‌سزایی در ایفای این نقش بازی کند. جایگاه مشارکت مردم به حدی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان اخیر خود در دیدار فرماندهان و مدیران نیروی انتظامی خطاب به آن‌ها فرمودند: «سرمایه عظیم ناجا، رضایت و پشتیبانی مردم است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

به‌منظور ایجاد امنیت در جامعه، پلیس باید علاوه بر حفظ روحیه اقتدارگرایانه و حرفه‌گرایی در برابر جرائم خشن و واکنش مناسب در برابر آن‌ها، از رویکردهای جدیدی پیش‌کنشی و پیشگیرانه نیز بهره‌برداری مناسب کند. با توجه به اهمیت بالای پیشگیری از جرم، علاوه بر اصل ۱۵۶ قانون اساسی در قوانین خاص مانند قانون نیروی انتظامی نیز

به آن اشاره شده است. براساس بخش د بند ۸ ماده ۴ قانون مذکور، این نیرو موظف به پیشگیری از جرم شده است. مصادیقی مانند حمایت از شهروندان در برابر خطر وقوع جرم، افزایش آگاهی عمومی و ارائه خدمات مشاوره‌ای پیشگیرانه، نظارت و مراقبت بر اماکن عمومی و مناطق جرم‌زا، افزایش هزینه ارتکاب جرم از رهگذر افزایش حضور و تقویت احتمال و دستگیری، از جمله موضوعاتی است که بر عهده این نیرو واگذار شده است. اقدامات پلیس در این اواخر از جمله پلیس ۱۱۰، پلیس محله و پلیس پیشگیری و غیره در این راستا بوده و درخور توجه است (نیازپور، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹). پیشگیری از جرم با بهره‌گیری از بستر تعاملات اجتماعی، به‌عنوان یکی از راه‌های مبارزه با حوادث ناگوار همیشه مورد توجه بوده و به مجموعه تدابیر، تصمیمات، برنامه‌ها و اقداماتی اطلاق می‌شود که قبل از روی دادن بزه انجام می‌شود تا مانع از وقوع آن شود (کلانتری، حیدریان و محمودی، ۱۳۸۹، ص ۵۲).

در خصوص تعامل و مشارکت مردم با پلیس در امر پیشگیری از جرم، نظریه‌پردازان برجسته‌ای نظیر هربرت مید^۱ در نظریه تعامل‌گرایی، تعاملات پلیس و مردم را حول دو محور تعامل ابزاری (روابط نامتقارن سرد و مبتنی بر زور و پرخاشگری، حساب‌گری و غیر عاطفی) و تعامل اظهاری (تبادل اطلاعات، تفاهم، تعهد، تکلیف و عاطفه همراه با روابط متقارن گرم از نوعی دوستی، صمیمیت و اعتماد) تقسیم کرده است (ترنر و بیگلی، ۱۳۷۱، ص ۲۰۸ و ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۴۰۷). از طرفی، بیردوسیل^۲ با ارائه نظریه ارتباط‌شناسی مطرح می‌کند که ارتباط و تعامل به دو طریق صورت می‌گیرد؛ یکی از راه کلامی و زبان و دیگری ارتباط غیر کلامی. وی معتقد است که ارتباط کلامی پلیس زمانی موفق و مؤثر خواهد بود که با رفتارهای غیر کلامی او همراه شود (محسنیان راد، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷).

تحقیقات متعددی علاوه بر نظریه پلیس جامعه محور، اهمیت و ضرورت تعامل و مشارکت مردم در امر پیشگیری از جرم را نشان می‌دهند. به‌عنوان نمونه، باکوروکس و ترویانویچ ارائه راه حل ابتکاری توسط همه کارکنان برای حل مشکلات، تشریک‌مساعی تمامی افراد جامعه و تمرکززدایی را عنوان کرده (ترویانویچ و باکوروکس^۳، ۱۳۸۳،

1. H. Mead

2. Birdwhistell

3. Trvyanvvych and Bakvrvkx

صص ۲۰-۲۳)، کوردنر^۱ توجه به دیدگاه شهروندان، درک نگرانی مشکلات محله توسط پلیس و مردم، تقدم پیشگیری بر مقابله و تمرکز بر محدوده جغرافیایی و تغییر ساختار (کوردنر، ۱۳۹۰، صص ۹۹-۱۰۳)، فریدمن^۲ داشتن نظام باز و شفاف سازمان پلیس، تمرکززدایی، افزایش تحصیلات کارکنان، اتکا به جامعه برای حل مشکلات (ترویانوویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳، صص ۲۹-۳۳) و ویلیامسون، مشارکت شهروندان، تمرکززدایی و توجه به حل مشکلات را ارائه کرده است (ویلیامسون، ۱۳۹۳، صص ۹۴-۱۰۴).

در کنار دیدگاه اندیشمندان غربی به بحث تعامل اجتماعی، مکتب الهام‌بخش اسلام نیز به استناد قرآن، احادیث، عترت پیامبر و امامان معصوم (ع)، الگوی ایده‌آلی از مدل اخلاقی تعاملات اجتماعی بر مبنای روابط گرم نابرابر - امر به معروف و نهی از منکر - توجه به مشورت جویی و پرهیز از خودرأیی ارائه کرده است (حسن دوست فرخانی و طباطبایی چهر، ۱۳۹۱، ص ۱).

با توجه به تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی اینترنت و فناوری‌های ارتباطی، چارلز تیلی^۳ در نظریه بسیج منابع، چهارچوبی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی (از قدرت، بسیج، منافع، سازمان، سرکوب، تسهیل، تهدید و فرصت) ارائه کرده که باعث تعامل موفق بین فضای مجازی و جنبش‌های اجتماعی در جهان واقعی و مجازی می‌شود؛ فرآیندی که گروهی از افراد، از وضعیت منفعل به شرکت‌کنندگان فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شوند (موثقی گیلانی و عطارزاده، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵).

نیروی انتظامی به‌عنوان متولی امنیت در جامعه، جایگاه ویژه‌ای در کنترل و مدیریت پیشگیری از جرم دارد. این سازمان به دلیل تعدد مأموریت‌های محوله برای استقرار نظم و امنیت، دارای بیشترین ارتباطات با محیط‌های اجتماعی است. گرچه مکانیزم‌های ارتباطی مانند پلیس ۱۱۰، سامانه ۱۹۷ دایر شده، اما هنوز تا وضعیت مطلوب و تحقق اصل دهم قانون اساسی مبنی بر توسعه مشارکت اجتماعی و نظارت مردم بر عملکرد پلیس فاصله زیادی وجود دارد. همچنین، در تعامل اجتماعی پلیس با مردم نقاط ضعف فراوانی وجود دارد که مانع تحقق رویکرد جامعه‌محوری پلیس شده است. به‌عنوان نمونه، آمار بالای تخلفات کارکنان و شکایات وارده به سیستم ۱۹۷ که به استناد اظهارات

1. Cordner

2. Friedman

3. Tilly, Charles

فرمانده وقت ناجا حدود ۷۰ درصد آن مربوط به شکایت‌های مردم از پلیس و سوء رفتار کارکنان است (احمدی مقدم، ۱۳۹۲) و همچنین مشکلات ساختاری، فرهنگ‌سازمانی، منابع و امکانات، فرهنگ مردم، انگیزه شغلی کارکنان از جمله این موارد است (نوروزی، امین صارمی و صالحی تویسرکانی، ۱۳۸۷). بر این اساس، مقاله حاضر با استفاده از منابع و نظریه‌های علمی و انجام یک تحقیق عملی، قصد دارد موضوع فوق را بررسی کرده و به این سؤال پاسخ دهد که تعاملات اجتماعی پلیس چه نقشی در مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم دارد؟ و نیروی انتظامی چگونه می‌تواند از ظرفیت تعامل مناسب با مردم در راستای اهداف پیشگیرانه انتظامی بهره‌برداری کند.

در خصوص تعاملات اجتماعی به صورت کلی یا منحصرأ در حوزه فعالیت‌های پلیسی مطالعاتی انجام شده است. هرچند این مطالعات در حوزه مدیریت پیشگیری کمتر ورود پیدا کرده، اما در تحلیل و ارائه الگو به نویسندگان نقش مؤثری داشته‌اند.

دعاگویان (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «ساختار جامع تعامل پلیس و مردم» به این نتیجه رسیده که نیروی انتظامی با تولید سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند در ارتقای سطح اعتماد مردم به پلیس و مشارکت معنی‌دار آن‌ها و گسترش ارتباطات فی‌مابین در حوزه‌های مختلف مأموریتی به‌ویژه نظارت همگانی (۱۹۷) و کاهش شکاف هنجاری بین پلیس و مردم نقش مؤثری را ایفا کند. بابایی و نجیبیان (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «تعامل پلیس با نهادهای جامعه‌ی در پیشگیری از جرم» ضمن اشاره به جلوه‌های تعامل و همکاری‌های پلیس با نهادهای جامعه‌ی اضافه کردند که این تعامل از مشورت پلیس با اعضای جامعه شروع و تا اجبار این نهادها در پیشبرد اهداف پیشگیری از جرم، پیش می‌رود. در اکثر کشورها، پلیس محله، استفاده از طراحان محیطی و شوراهای روستا و شهر مصادیق بارز تعامل پلیس و نهادهای جامعه‌ی تلقی می‌شود.

ابوالقاسمی‌پور (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان «مدل پاسخگویی بهبود تعامل مردم و نیروی انتظامی در استان خوزستان» با مطالعات میدانی و کسب اطلاعات با استفاده از «روش دلفی» به این نتیجه رسید که پاسخگویی اخلاقی در نیروی انتظامی با ارتقای روابط مردم و پلیس رابطه مثبت دارد. خادمیان و افخمی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تعاملات اجتماعی بر اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی» با استفاده از روش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای و نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از جامعه آماری کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن مناطق ۳ و ۱۷ شهر تهران، اعتماد اجتماعی

را با شش بعد صداقت، صراحت، سهیم کردن، تمایلات همکاری جویانه، اطمینان و اعتماد کردن سنجیده و یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از وجود رابطه معنادار بین متغیرهای تعاملات اجتماعی، پیوندهای اجتماعی، دگرخواهی، دین‌داری با میزان اعتماد اجتماعی بوده است. همچنین، در زمینه مدیریت پیشگیری از جرم نیز تحقیقات مختلفی با رویکرد وضعی صورت گرفته است. به عنوان نمونه، پورشکیبایی و جهانی (۱۳۹۶) به بررسی تطبیقی پیشگیری وضعی از اسیدپاشی به منظور ارائه راهبردهای علمی و عملی پرداخته‌اند و سلیمی سبحان، یاری و حیدری (۱۳۹۴) به استفاده از مدل راهبردی SOAR در جهت کارآمد کردن رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در منفعل‌سازی کانون‌های جرم خیز اشاره داشته‌اند.

اما مهم‌ترین تحقیقی که هر دو مقوله همکاری و مشارکت را با مؤلفه پیشگیری ادغام کرده، مربوط به تحقیق حق نظری و شایگان (۱۳۹۵) در خصوص نقش مشارکت نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم است که تا حدودی با موضوع تحقیق حاضر همخوانی دارد. یافته‌های تحقیق نشان داد که مشارکت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نهادهای مردمی در پیشگیری از جرائم نقش داشته و در این بین، مشارکت اجتماعی از تأثیرگذارترین عوامل و بعد از آن، مشارکت‌های فرهنگی و اقتصادی قرار داشتند. مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند موجب کاهش جرائم شود.

مدیریت پیشگیری از جرم: معضلی که در بیشتر کشورها از جمله ایران مورد وفاق اکثریت اعضای آن اعم از خواص و عوام است، عبارت از افزایش جرائم در بعد کمی و کیفی و تأثیر عواقب مخرب آن بر زندگی فردی و اجتماعی است. هرچند این دو امر، به‌ویژه تأثیر جرم بر زندگی مردم، فضای ناچیزی را در تحقیقات به خود اختصاص داده‌اند (رادزینوسک و کینگ^۱ ۱۹۷۷). همچنین، بیشتر اهل تحقیق به این نتیجه رسیده‌اند که روش‌های سنتی مبارزه با جرائم؛ یعنی اعمال قوانین کیفری توسط دستگاه‌های ذی‌ربط مانند نظام قضایی و پلیس و حتی اعمال روش‌های اصلاحی و تربیتی در مکان‌های بسته‌ای مثل زندان و مؤسسه‌های زندان گونه یا وابسته به آن، نتیجه چشم‌گیری در پیشگیری از وقوع جرم یا کاهش آن و حتی تکرار جرائم نداشته است. شاید اولین و

1.Radzinowicz - king

بهترین اثر علمی و مستند در این مورد، مقاله مارتینسون^۱ آمریکایی در سال ۱۹۷۴ باشد که بسا جمع‌بندی تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع به چنین نتیجه‌ای رسیده و به تئوری (هیچ‌چیز)^۲ انجامید؛ به این معنی که هیچ‌چیز یا هیچ‌یک از شیوه‌های برخورد با مرتکبان جرائم کارایی ندارد (مارتینسون، ۱۹۷۴، صص ۲۲-۵۴).

به دلیل محدودیت بحث، در این مقاله علل ناکامی نظام کیفری در پیشگیری از وقوع جرم به‌طور خلاصه مورد تحلیل قرار داده شده است. تحولات عصر روشنگری، نوید برپایی یک نظام دادرسی کارتر، منطقی و عادلانه‌تر از گذشته را ارائه کرد و به دنبال آن رشته جدیدی به نام جرم‌شناسی تولد یافت و بنیان‌گذاری سیاست جنایی و سیاست کیفری یک جامعه بدون جرم یا با جرم کمتر را ترسیم کرد. از آن زمان تاکنون، سیاست‌ها و رویکردهای متفاوتی برای مبارزه با جرم یا کاهش آن بروز و ظهور یافتند. جان برایت^۳ این رویکردها را در کشور انگلیس به سه دسته تقسیم می‌کند (برایت، ۱۹۹۱، صص ۶۲-۸۶) که کم و بیش در سایر کشورها از جمله ایران نیز مصداق دارد:

- پیشگیری کیفری: یا همان سیاست حزب محافظه‌کار که طرفدار رویکرد کیفری برای مبارزه با جرم یعنی اعمال شدید قانون و مجازات توسط دستگاه‌های ذی‌ربط و اجرایی است. جیمز کیو ویلسون^۴ یکی از نظریه‌پردازان معاصر آمریکایی و مشاور ریاست جمهوری در زمان ریگان و طرفدار همین تفکر، مبانی آن را در یک جمله کوتاه چنین خلاصه می‌کند: «به همان اندازه که احتمال اعمال ضمانت اجرای کیفری بیشتر شود، جرم شیوع کمتری خواهد داشت» (ویلسون، ۱۹۸۳). اگر این جمله را با جملات مشابهی از پیشگامان چنین تفکری همانند بنتام مقایسه کنیم صدق گفتار روشن‌تر می‌شود. بنتام می‌گوید: «مجازات را معلق یا تعطیل کنید، آنگاه دنیا صحنه جرم و جنایت شده و جامعه از بین می‌رود» (بنتام، ۱۸۹۱، ص ۳۴۱). همان‌طور که ملاحظه می‌شود هر دو یک رابطه مستقیم ریاضی بین افزایش ارباب (ترس از کیفر) و کاهش جرم می‌بینند. مشخصات بارز این رویکرد، یکی این است که براساس آن، جرمی با هر مرتکبی، به یک شیوه واحد قابل پیشگیری است؛ در حالی که پیشگیری از هر جرمی و شاید کنترل هر مرتکبی، ابزارها و روش‌های خاص خود را می‌طلبد. دیگر ویژگی این طرز تفکر این است که مدار و

1. Martinson
4. J. WILSON

2. Nothing works

3. J. Britg

نقطهٔ ثقل پیشگیری در آن کیفر و برخورد با مرتکب است و نقش غیر مرتکب اعم از بزه دیده و اجتماع در آن نادیده گرفته شده است (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۷۸).

- **پیشگیری اصلاحی یا اجتماعی:** یعنی از طریق اعمال اصلاحات فردی و اجتماعی که زیربنای اصلی و اساسی رویکرد پیشگیری اجتماعی است. پیروان این نظریه که به پوزیتیویست^۱ یا تحقیقی و اثباتی معروف هستند، بر این عقیده‌اند که از طریق شناخت علل ارتکاب جرم (اعم از فردی و اجتماعی) و برطرف کردن آن‌ها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی، مثل درمان بیماری‌ها و نارسایی‌های (ناهنجاری‌های) جسمی و روحی مرتکبان، بالا بردن ارزش‌های اجتماعی و ثبات و وابستگی به آن‌ها، تقویت نهادهای اجتماعی مثل خانواده و مدرسه، توسعه و تعالی فرصت‌های اقتصادی، تحصیلی و تفریحی، مسکن و امثال این‌ها، می‌توان از ایجاد تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد و نهایتاً آن‌ها را از غرق شدن یا کشیده شدن به سوی شیوه‌های مجرمانه زندگی نجات داد (کلارک، ۱۹۸۰). در یک جمله، رویکرد کیفری و بزه‌کار مدار به پیشگیری، از خصوصیات دو دیدگاهی است که تا اینجا بحث شد، در حالی که بزه‌دیده سنگ بنای رویکرد پیشگیری وضعی است.

- **پیشگیری وضعی:** در این دیدگاه، کنترل و ابتکار جای مجازات و انفعال را می‌گیرد و با اتخاذ اقدامات متعدد و مناسب با هر هدفی که ممکن است آماج جرم قرار گیرد، سعی در پیشگیری از تجاوز به آن می‌شود. برخلاف تصور جاری، در دیدگاه دوم که مرتکبان دارای نوعی اجبار هستند و وقوع جرم از سوی آن‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده و به همین دلیل قابل پیشگیری جز از طریق انهدام عامل بوجود آورندهٔ آن نیست، اما در رویکرد وضعی، جرم قابل پیش‌بینی بوده و صرف‌نظر از اینکه مرتکب تحت تأثیر چه عامل بوده، از طریق کاهش فرصت‌های ارتکاب و آماج‌های آن، با اعمال روش‌های فیزیکی (مادی) یا تغییر و کنترل موقعیت‌های مناسب برای ارتکاب جرم می‌توان وقوع آن را ممتنع و خنثی ساخت. بدین طریق، از ورود به وادی پیچیدهٔ سلسله عوامل متعدد انسانی و اجتماعی جرم و تحلیل و برخورد با آن‌ها احتراز می‌شود، هر چند شناسایی آن‌ها در پیش‌بینی محل، زمان و نحوهٔ ارتکاب جرم می‌تواند تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

1. Positivism

طرح پیشگیری وضعی از جرم به‌عنوان یک نظریه علمی اصالتاً تأسیسی انگلیسی است که توسط سه نفر به نام‌های کلارک، می‌هیو و کرینش مطرح شده و توسعه یافته است. دو نفر اول، در کتابی تحت نام «طراحی جرم»^۱ در سال ۱۹۸۰ و کلارک و کرینش نیز در کتاب دیگر تحت عنوان «دلایل منطقی جرم»^۲، در سال ۱۹۸۶، به طرح و تحلیل آن پرداخته‌اند (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۸۳). رونالد کلارک، در مقدمه کتاب دیگر خود که در سال ۱۹۹۲ منتشر و در سال ۱۹۹۷ با تغییراتی تجدید چاپ شده، بیان می‌دارد که این نظریه از جهت پیشگیری جرم اشاره به یک روش خاص دارد که مبتنی بر متعالی کردن جامعه و نهادهای آن نیست. بلکه به‌طور ساده تکیه‌بر کاهش دادن فرصت‌های و موقعیت‌های ارتکاب جرم دارد (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۹۱).

مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم: پیشگیری انتظامی مطابق بند ج ماده یک لایحه پیشگیری از جرم چنین تعریف شده است: «پیشگیری انتظامی عبارت است از تدابیر و اقدام‌های نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌هایی که به‌حکم قانون در این زمینه موظف هستند با هدف حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر در برابر خطر وقوع جرم، افزایش آگاهی‌های عمومی، ارائه خدمات مشاوره‌ای پیشگیرانه، نظارت بر اماکن عمومی و مناطق جرم‌زا و افزایش هزینه‌های جرم». از تعریف فوق مشخص می‌شود کار پیشگیری انتظامی از جرم فقط مختص به نیروی انتظامی نبوده و نهادهای دیگر نیز در این وظیفه نقش دارند و مدیریت و هماهنگی بر پیشگیری انتظامی را باید نیروی انتظامی و سایر نهادها انجام دهند. بنابراین، مدیریت بر این امر یک ضرورت به نظر می‌رسد و وظایفی که به عهده هر مدیر محول می‌شود خیلی مهم به نظر می‌رسد (حسینی مقدم و جربانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱). در این مقاله، مقصود از مدیریت پیشگیری انتظامی مجموعه تدابیر و تلاش‌های پلیس در سه رویکرد کیفی، وضعی و اجتماعی است.

شاخص‌های مدیریت جرم: مدیریت پیشگیری از جرم از دو جزء مدیریت و پیشگیری تشکیل می‌شود. مدیریت براساس باور شماری از اساتید از جمله هانری فایول^۳، دارای چهار مؤلفه اصلی است. به باور وی برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی و کنترل از شاخص‌های اصلی مدیریت‌اند. پیشگیری از جرم نیز با وجود تعریف‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف به پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث تعریف و تقسیم‌بندی می‌شوند. در واقع، گستره

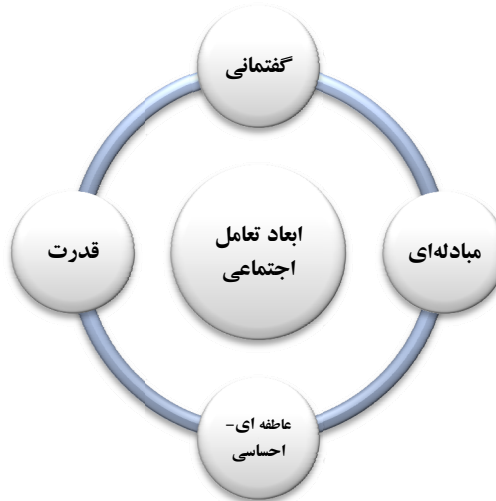
1. Designing out crime

2. The reasoning criminal: rational

3. Henry Fayol

پیشگیری از جرم مطابق این مدل اقدام‌های ناظر به قبل از وقوع جرم، در آستانه وقوع جرم و پس از ارتکاب بزهکاری را در برمی‌گیرد. بنابراین، مدیریت پیشگیری از جرم عبارت است از اعمال مؤلفه‌های چهارگانه مدیریت در هر یک از انواع سه‌گانه پیشگیری از جرم. به دیگر سخن، مدیریت پیشگیری شامل ۱۲ وظیفه است که شامل برنامه‌ریزی برای پیشگیری اولیه، سازمان‌دهی پیشگیری اولیه، هماهنگی برای پیشگیری اولیه و کنترل برای پیشگیری اولیه و به همین ترتیب، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی و کنترل برای پیشگیری ثانویه و ثالث از جرم می‌شود. آنچه امروز بیشتر در مقوله مدیریت پیشگیری از جرم در ایران به آن توجه شده است، صرفاً مقوله سازمان‌دهی است. در حالی که بقیه اجزای مدیریت را نیز باید مورد توجه قرار داد (نوروزی، بارانی و سرکشیکیان، ۱۳۹۰، صص ۲۶۰-۲۶۲).

الگوی عملی تعامل پلیس و مردم: پیچیدگی و ابعاد مفهومی تعامل اجتماعی انسان با محیط پیرامون و سایر افراد، محققان را بر آن داشته که با بهره‌گیری از مدل آجیل پاسونز، شبکه روابط اجتماعی مردم و پلیس را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. در این مدل، نظام اجتماعی در واقع شبکه گسترده‌ای از کنش‌ها و تعاملات اجتماعی است که روابط میان افراد و گروه‌ها را مشخص می‌سازد. نکته مهم در این مدل، کارکرد اصلی نظام اجتماعی، انجام یک رنگی و مشارکت میان عناصر نظام است و افراد گروه‌ها به‌عنوان عناصر اصلی این نظام تحت تأثیر انتظارات متقابل، هنجارها و ارزش‌های تأیید شده و ضمانت اجرایی‌ها (پاداش و کیفر)، این آگاهی را می‌یابند که چگونه و با چه شیوه‌ای با یکدیگر رابطه ایجاد کنند. بر مبنای الگوی عملی، تعاملات پلیس و مردم را می‌توان حول دو محور «تعامل ابزاری و تعامل اظهاری» تقسیم کرد. در بعد ابزاری، تعامل پلیس و مردم، روابط نامتقارن سرد و مبتنی بر زور و پرخاشگری، حسابگری و غیر عاطفی است و در این نوع از تعامل، دستور تنبیه و اطلاعات مبادله می‌شود. در بعد اظهاری تعامل پلیس و مردم، ضمن تبادل اطلاعات، تفاهم، تعهد، تکلیف و عاطفه، روابط متقارن گرم از نوعی دوستی، صمیمیت و اعتماد حاکم است و پیامد این نوع از تعامل، دگرخواهی و روابط گفتمانی به‌عنوان یکی از پایدارترین روابط اجتماعی میان مردم و پلیس به وجود می‌آید (گودرزی و دعاگویان، ۱۳۸۵، ص ۴۴).



نمودار ۱ - ابعاد تعامل بر اساس نظریه تعامل‌گرایی جورج هربرت مید

تعاملات اجتماعی: تعامل اجتماعی به چهار نوع اظهاری، گفتمانی، عاطفی، مبادله‌ای قابل تقسیم است. در تعاملات اظهاری می‌توان اعتماد، اطمینان، همکاری، حمایت، ایشار، فداکاری، انتقال اطلاعات، حل و فصل، پذیرش و مقبولیت اجتماعی را میان پلیس و مردم مشاهده کرد. با توجه به اهمیت تعامل گفتمانی در مبادله اطلاعات و تقویت اعتماد متقابل، باید به نقش رسانه‌های گروهی، تلویزیون، همایش‌های علمی و فرهنگی و حضور فعال پلیس در صحنه‌های اجتماعی در تقویت و گسترش روابط گفتمانی میان پلیس و مردم اشاره کرد. در تعامل عاطفی، تکلیف یا وظیفه‌شناسی و انتقال احساسات مشترک مبادله می‌شود که البته ابزار این نوع از تعامل نیز رسانه‌های گروهی، نظام پاداش‌دهی، جامعه‌پذیری فرهنگی مردم و بهره‌گیری پلیس از روابط انسانی مناسب با هر یک از اقشار اجتماعی است. در تعامل عاطفی می‌توان از همکاری، همدلی و وابستگی عاطفی سخن گفت.

در تعامل مبادله‌ای، خدمات رد و بدل می‌شوند که دارای دو جنبه مثبت و منفی هستند. در ارائه خدمات مثبت پلیسی که بر فرآیند تعامل اظهاری تأثیر می‌گذارد، باید به نقش نهادهایی که در سطح ناجا خدمات انتظامی ارائه می‌دهند، اشاره کرد؛ مثل پلیس ۱۱۰، ۱۹۷، کلانتری‌ها و سایر نهادهای انتظامی که به مردم خدمات انتظامی می‌دهند. بدون تردید، این نهادها در گسترش شبکه‌های ارتباطی پلیس و مردم و تقویت اعتماد متقابل و توسعه همکاری و مشارکت بسیار مؤثرند. بنابراین می‌توان به یکی از

اساسی‌ترین نهادهایی که در توسعه سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد متقابل پلیس و مردم ایفای نقش می‌کند، اشاره کرد. دفتر نظارت همگانی ناجا (۱۹۷) با دریافت افکار و گزارش‌های مردمی و پیگیری شکایات، انتقادات و پیشنهادهای اқشار اجتماعی مربوط به عملکرد پلیس، نه تنها موجب ارتقای عملکرد سازمانی ناجا می‌شود، بلکه در درازمدت، حمایت مردم از پلیس و اعتماد متقابل را میان آن‌ها گسترش می‌دهد. در مقابل جنبه‌های مثبت تعامل مبادله‌ای، باید به جنبه‌های منفی و تعامل متقارن سرد آن اشاره کرد. در تعامل مزبور، دو طرف صرفاً با رویکردی ویژه‌گرا، حسابگرانه و قراردادی، با یکدیگر ارتباط ایجاد می‌کنند. در این نوع مبادله، پلیس و مردم صرفاً برای منافع شخصی و برای برطرف کردن مشکلات آنی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. گرچه به‌ظاهر دو طرف، با رضایت از یکدیگر جدا می‌شوند، لیکن شهروند در این نوع مبادله بیشتر اظهار تزلزل و ضرر می‌کند. در واقع، نوع چهارم تعامل که از نوع مبادله ابزاری است، تعامل قدرت است. در این نوع از تعامل به‌منظور سلطه‌گری و به اطاعت درآوردن دیگران، از زور و دستور استفاده می‌شود. بنابراین، ابزار تعامل در این بخش، پرخاشگری، تنبیه و خشونت است که موجب اختلال متقابل، کاهش میزان امید به‌طرف مقابل، کاهش شبکه‌های ارتباطی و ایجاد احساس ناامنی می‌شود (دعاگویان، ۱۳۸۴، ص ۹۴).

ارتباط کلامی و غیرکلامی: برقراری ارتباط (تعامل گفتمانی) به دو طریق صورت می‌گیرد؛ از طریق زبان با استفاده از واژه‌هایی که هر دو طرف سخنگو و مخاطب می‌فهمند (این واژه‌ها براساس پیروی دائم از قوانین و دستورهای زبان به هم می‌پیوندند و جملات را به وجود می‌آورند) و از طریق ارتباط غیرکلامی یا آنچه ادوارد تی. هال (۱۹۵۹) «زبان خاموش» می‌نامند (گری پی، ۱۳۷۹، ص ۷۵). هرچند واژه‌ها برای مبادله اطلاعات ضروری هستند و «در زندگی انسانی هیچ رفتاری به‌اندازه ارتباط کلامی وسعت و تأثیر ندارد و هیچ پدیده ارتباطی این‌قدر با زندگی انسان عجین نیست» (میلر، ۱۳۸۵، ص ۷۴)، ولی با این وجود بدون استفاده از حرکات دست و اشاره‌های غیرکلامی، جریان برقراری ارتباط انسانی به‌صورت جریان مکانیکی در می‌آید و توان رساندن تفاوت‌های ظریف را از دست می‌دهد. رفتارهای غیرکلامی از تنوع و گستردگی فراوان برخوردار است. از حالات چهره و نوع نگاه که مهم‌ترین منبع ارائه اطلاعات است گرفته تا استفاده از حرکات و

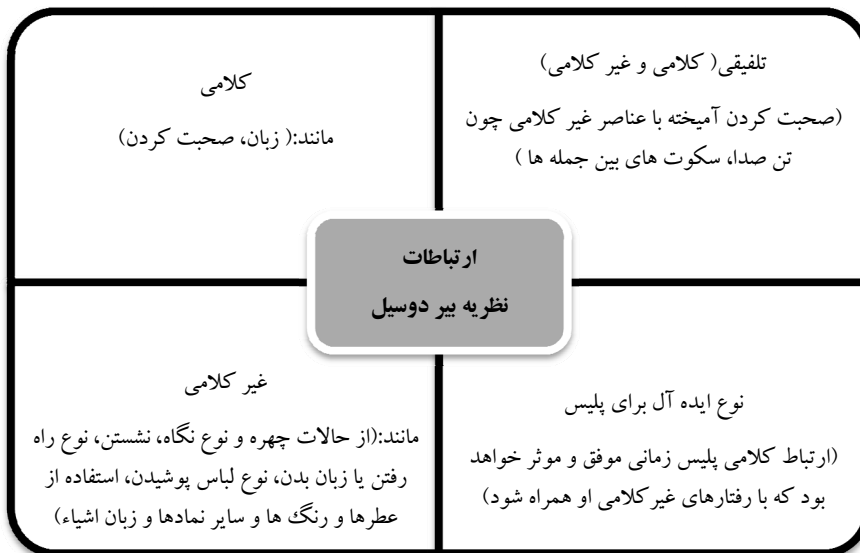
اشارات دست، نوع نشستن، نوع راه رفتن یا زبان بدن^۱، نوع لباس پوشیدن، استفاده از عطرها و رنگ‌ها و سایر نمادها و زبان اشیاء، همه بخشی از رفتارهای غیر کلامی ما را تشکیل می‌دهد که به صورت ارادی یا غیر ارادی از سوی ما پیام‌هایی را منتقل می‌کند. یکی از پیشتان‌ها و پیشروان مطالعات غیر کلامی «بیردوسیل»^۲ مشخص کرده است که تنها ۳۵ درصد از معنی^۳ در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقیمانده آن در زمره غیر کلامی است (فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۲).

آیا مرز دقیقی بین ارتباط کلامی و غیر کلامی وجود دارد؟ اگر هست این مرز چیست؟ در پاسخ باید گفت: «اختلاف بین ارتباط کلامی و غیر کلامی به سادگی مقایسه اعمال و صحبت نیست؛ مثلاً صحبت کردن نیز خود آمیخته با عناصر غیر کلامی چون تن صدا، سکوت‌های بین جمله‌ها و غیره است (محسنیان راد، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷). بسیاری بر این باورند که همواره ارتباطات غیر کلامی بر ارتباطات کلامی از نظر صحت ارجحیت دارد؛ چراکه علامات غیر کلامی از درون انسان نشئت گرفته و نمی‌توان آن‌ها را کنترل کرد. ارتباط کلامی پلیس زمانی موفق و مؤثر خواهد بود که با رفتارهای غیر کلامی او همراه شود و با آن در انتقال پیام واحد، هماهنگی و همخوانی داشته باشد. مثلاً تصور کنید پلیسی با لباس نامنظم و ظاهری آشفته و نامرتب، مردم و رانندگان را به رعایت نظم و انضباط دعوت کند یا پلیس در خطاب قرار دادن مردم، الفاظ به‌ظاهر مؤدبانه را با نگاهی یا لحنی تحقیرآمیز به کار گیرد. در این گونه موارد، مخاطب با دو گونه پیام متفاوت روبه‌رو می‌شود و در نهایت، رفتار غیر کلامی او را چون برخاسته از قصد و نیت واقعی اوست ملاک قضاوت قرار می‌دهد.

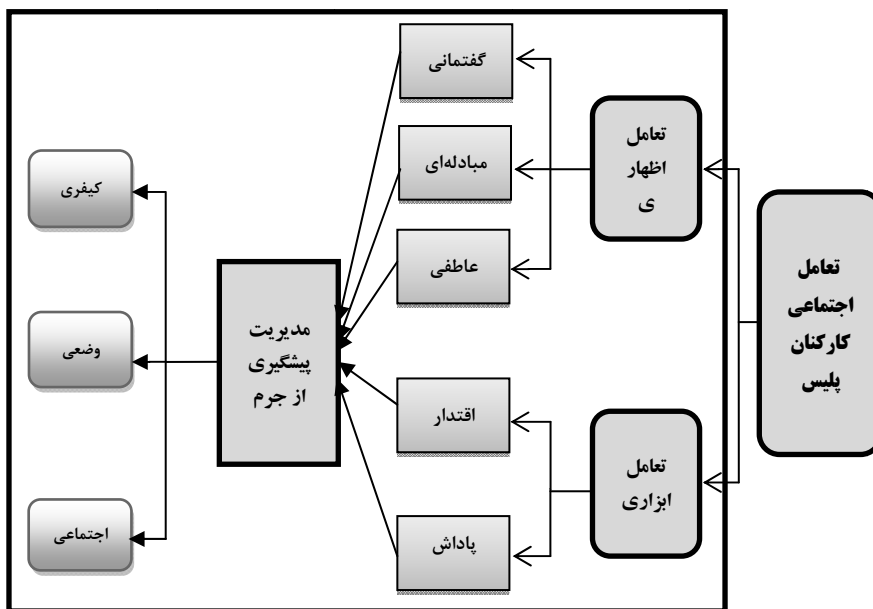
1. Body language

2. Birdwhistell

3. Meaning



نمودار ۲ - ارتباطات کلامی و غیر کلامی بر اساس نظریه بیدوسیل



نمودار ۳ - مدل مفهومی تحقیق

بر اساس نظریه‌های ذکر شده و مدل مفهومی، چند فرضیه استخراج و با جامعه آماری محدود مورد آزمون قرار گرفته است تا علاوه بر بحث نظری، شواهد تجربی هم برای موضوع حاصل شود. فرضیه‌های مورد نظر عبارت‌اند از:

- هرچه تعاملات اجتماعی گفتمانی کارکنان پلیس بیشتر باشد، مشارکت مردم در طرح‌های مدیریت پیشگیری از جرم بیشتر خواهد بود.
- هرچه تعاملات اجتماعی مبادله‌ای کارکنان پلیس با مردم بیشتر باشد میزان همکاری آن‌ها در مدیریت پیشگیری از جرم (کیفری، وضعی، اجتماعی) بیشتر خواهد بود.
- هرچه ارتباطات عاطفی و تعهد کارکنان پلیس با مردم بیشتر باشد، باعث افزایش اعتماد و به تبع آن باعث مشارکت بیشتر در اقدامات پیشگیرانه خواهد بود.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شهروندان شهر تهران بوده که حجم نمونه آن براساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به وسیله نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین مراجعان به کلانتری‌های فاتب بین سنین ۱۵ تا ۶۰ سال به روش احتمالی به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. برای افزایش روایی و پایایی ابزار تحقیق، فرضیه‌ها از مبانی نظری استخراج و مفاهیم با استفاده از منابع معتبر تعریف شده است. برای سنجش پایایی تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد که با حذف دو گویه غیر مرتبط، پرسشنامه با آلفای ۸۵ درصد تأیید شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در سه بخش توصیف پاسخگویان، توصیف متغیرها و آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود.

توصیف پاسخگویان: ۶۰ درصد پاسخگویان مرد و ۴۰ درصد آن‌ها زن با میانگین سنی ۳۰ سال بودند. حداکثر سن آن‌ها ۶۰ سال و تحصیلات ۲۰ درصد آن‌ها دیپلم، ۴۲ درصد فوق‌دیپلم، ۱۶ درصد لیسانس، ۷ درصد فوق‌لیسانس و ۱۵ درصد مربوط به سایر مقاطع بوده است.

توصیف متغیرها: مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم، متغیر وابسته تحقیق بوده که در

سه رویکرد پیشگیری کیفری، وضعی و اجتماعی جمعاً با ۱۵ گویه سنجیده شده است. جمع گویه‌ها نشان داد که ۳۱ درصد پاسخگویان معتقدند مردم به میزان زیادی با کارکنان پلیس در طرح‌های پیشگیرانه حاضر به همکاری هستند. همین درصد هم معتقدند که تعاملات کارکنان پلیس با مردم کم است و ۳۸ درصد میزان تعاملات مردم با کارکنان پلیس را متوسط ارزیابی کرده‌اند. تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس مهم‌ترین متغیر مستقل تحقیق بود که در ابعاد گفتمانی، عاطفی و سرمایه اجتماعی با ۲۵ گویه سنجیده شد. نتیجه جمع گویه‌ها در جدول ۱ آورده شده است:

جدول ۱ - توزیع فراوانی و درصد تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس

ردیف	تعاملات اجتماعی	فراوانی	درصد
۱	زیاد	۱۶۳	۴۲/۵
۲	متوسط	۸۶	۲۲/۵
۳	کم	۱۳۵	۳۵
۴	جمع	۳۸۴	۱۰۰

براساس جدول ۱، ۴۲/۵ درصد مردم پاسخگو، تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس را بالا، ۲۲/۵ درصد در حد متوسط و ۳۵ درصد کم دانسته‌اند. اگرچه تعداد کسانی که میزان تعاملات اجتماعی کارکنان را در حد بالایی ذکر کرده‌اند قابل توجه است، ولی باید در جهت ارتقای تعاملات اجتماعی از طریق آموزش کارکنان، مهارت‌افزایی ارتباطات، تقویت اخلاق حرفه‌ای پلیس اقدام کرد؛ چراکه وجود این سرمایه اجتماعی نتایج بسیار مثبتی برای مجموعه نیروی انتظامی در پی خواهد داشت. همچنین، ۴۲/۵ درصد پاسخگویان معتقدند که تعامل گفتمانی کارکنان پلیس با مردم در حد متوسط است و ۲۴/۵ درصد این تعامل را در حد زیاد و مابقی آن را کم دانسته‌اند. ۴۹ درصد مردم تعاملات عاطفی کارکنان پلیس را در حد متوسط و ۲۴/۵ درصد در حد زیاد و ۲۶/۶ درصد در حد کم دانسته‌اند. ۳۱ درصد پاسخگویان، ارائه خدمات مبادله‌ای کارکنان پلیس در مدیریت پیشگیری از جرم در رویکردهای پیشگیری وضعی و اجتماعی در امور محلی منطقه خود را در حد زیاد، ۴۰ درصد در حد متوسط و ۲۹ درصد این همکاری را کم دانسته‌اند. چنانچه آگاهی بخشی به آحاد جامعه در خصوص روش‌های پیشگیری از جرم و آموزش همگانی مناسب صورت گیرد این میزان رضایت مردم از خدمات پیشگیری از جرم قابل ارتقاء خواهد بود.

آزمون فرضیه‌ها: تحقیق دارای سه فرضیه بوده که فرضیه اول رابطه تعاملات گفتمانی پلیس با مدیریت پیشگیری از جرم بود. جدول ۲ این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول ۲- رابطه تعاملات گفتمانی کارکنان پلیس با مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم

ردیف	تعاملات گفتمانی	مدیریت پیشگیری از جرم	
		زیاد	متوسط
۱	زیاد	۵۲/۶	۳۰/۰
۲	متوسط	۴۷/۴	۴۰/۰
۳	کم	.	۳۰/۰
۴	جمع	۱۶۲	۸۴
		٪۱۰۰	٪۱۰۰
		Gamma = ۰/۷۶	Sig = ۰/۰۰۰

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که با همبستگی بالا ($\text{Gamma} = ۰/۷۶$)، بین میزان تعاملات گفتمانی پلیس و مدیریت پیشگیری از جرم رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان تعاملات گفتمانی پلیس بیشتر باشد مردم مشارکت بیشتری در اقدامات و طرح‌های پیشگیرانه دارند. در واقع، تعاملات گفتمانی چه به صورت کلامی و چه با استفاده از زبان بدن (غیرکلامی)، سرمایه بالقوه‌ای برای پلیس محسوب شده و از آن می‌تواند بهره‌برداری مناسبی کند.

فرضیه دوم تحقیق رابطه بین تعاملات عاطفی پلیس با مردم در زمینه مدیریت پیشگیری از جرم است که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- رابطه تعاملات عاطفی کارکنان پلیس با مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم

ردیف	تعاملات عاطفی	مدیریت پیشگیری از جرم	
		زیاد	متوسط
۱	زیاد	۳۷/۵	۴۰/۹
۲	متوسط	۶۲/۵	۳۶/۶
۳	کم	.	۲۲/۷
۴	جمع	۶۹	۱۸۸
		٪۱۰۰	٪۱۰۰
		Gamma = ۰/۵۱	Sig = ۰/۰۰۲

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین ارتباطات عاطفی، تعهد و وابستگی پلیس و میزان علاقه‌مندی او به ارائه خدمات پیشگیرانه به مردم ارتباط معناداری با مدیریت پیشگیری از جرم داشته و ضریب همبستگی گاما ($\text{Gamma} = ۰/۵۷$)، سطح بالایی را

نشان می‌دهد. اگر کارکنان پلیس با دلسوزی و پابندی به مسائل اخلاقی بتوانند اعتماد مردم را جلب کنند، این امر به نوعی سرمایه اجتماعی پلیس محسوب شده و مردم نیز در زمینه‌های مختلف مدیریت پیشگیری از جرم از جمله ارائه اخبار و اطلاعات مجرمان، کمک به بزه دیدگان و برقراری نظم و امنیت با پلیس همکاری رسمی و غیررسمی صمیمانه‌ای خواهند کرد.

فرضیه سوم به بررسی رابطه تعاملات مبادله‌ای پلیس می‌پردازد که جدول ۴ نشان‌دهنده آن است.

جدول ۴- رابطه تعاملات مبادله‌ای کارکنان پلیس (کیفری، وضعی و اجتماعی) با مدیریت پیشگیری از جرم

ردیف	مدیریت پیشگیری از جرم		
	زیاد	متوسط	کم
۱	۸۱/۸	۲۶/۳	۰
۲	۱۸/۲	۶۳/۲	۲۶/۷
۳	۰	۱۰/۵	۷۳/۳
۴	۹۲	۱۶۱	۱۳۱
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰
Gamma = ۰/۹۳ Sig = ۰/۰۰۰			

همبستگی بسیار بالا ($\text{Gamma} = ۰/۹۳$) نشان می‌دهد که تقریباً تمام کسانی که شاهد ارائه خدمات مناسب پیشگیری انتظامی به‌ویژه در رویکردهای وضعی و اجتماعی هستند، تعامل مناسبی را با پلیس برقرار کرده و در زمان‌های لازم با پلیس همکاری می‌کنند.

معادله رگرسیونی متغیرهای تحقیق با همبستگی بسیار بالا ($R=۰/۸۸$) و ضریب تعیین $R^2 = ۰/۷۷$ نشان می‌داد که متغیرهای مناسبی برای تأثیرگذاری بر جلب همکاری مردم انتخاب شده است. اطلاعات به‌دست آمده از ۳۸۴ نفر از شهروندان تهرانی نیز در خصوص نقش تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس در مدیریت پیشگیری از جرم نشان داد که از نظر پاسخگویان، میزان تعاملات اجتماعی کارکنان در حد بالا و قابل توجه است، ولی باید در جهت ارتقای تعاملات اجتماعی از طریق آموزش کارکنان، مهارت‌افزایی ارتباطات، تقویت اخلاق حرفه‌ای پلیس اقدام کرد؛ چراکه وجود این سرمایه اجتماعی نتایج بسیار مثبتی برای مجموعه نیروی انتظامی در پی خواهد داشت. همچنین ضرورت دارد کارکنان پلیس پیوند ارتباطات عاطفی خود با مردم را از طریق حضور در مساجد، مدارس، دیدار چهره به چهره با خانواده‌ها یا برگزاری همایش‌ها و میزگردها و

جلسات در محلات بیشتر کرده تا اعتماد مردم به آن‌ها تقویت شود. این امر زمینه بیشتر مشارکت و تعاملات متقابل مردم در طرح‌های پیشگیرانه را به وجود خواهد آورد.

بحث و نتیجه‌گیری

تاکنون نظریه‌های مختلفی در خصوص تعاملات اجتماعی مطرح شده و اکثر این نظریه‌ها از منظر روان‌شناختی و علوم اجتماعی به این مقوله نگاه کرده‌اند. چارچوب نظری این تحقیق برگرفته از ابعاد چهارگانه تعاملات هربرت مید (۱۹۳۷) و ترکیب آن با نظریه‌های مدیریت پیشگیری از جرم اندیشمندانی مانند برایت (۱۹۹۱) صورت گرفته و بر مبنای دیدگاه‌های فوق نقش تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس در زمینه پیشگیری از جرم تبیین شده است. بر این اساس، کارکنان پلیس با رعایت اصول برقراری تعاملات اجتماعی در چهار حوزه گفتمان اجتماعی، تعاملات عاطفی، تعاملات مبادله‌ای و تعاملات مبتنی بر قدرت سعی می‌کنند براساس شرایط محیطی و وضعیت اجتماعی به تولید سرمایه‌های اجتماعی پرداخته و در جهت استقرار نظم و امنیت و مشارکت فعال مردم در طرح‌های پیشگیرانه بهره‌برداری کنند.

بدون تردید، پلیس با تولید سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند در ارتقای سطح اعتماد مردم به پلیس و مشارکت معنی‌دار آن‌ها و گسترش ارتباطات فی‌مابین در حوزه‌های مختلف مأموریتی ناجا گام مؤثری بردارد. در سطح اجتماعی، نتیجه همکاری و تعامل با مردم آثار بسیار سودمندی را برای جامعه در برداشته و دارد. در واقع، چون هدف تمام مأموریت‌ها و برنامه‌های نیروی انتظامی ارائه خدمت بهتر به مردم در حوزه نظم و امنیت و پیشگیری از جرم است، بنابراین هرچقدر مشارکت مردم در اجرای این برنامه‌ها با نیروی انتظامی بیشتر باشد؛ خود مردم بهتر از نتایج حاصل منتفع می‌شوند. چندین تجربه مشارکتی مردم با نیروی انتظامی در چند سال گذشته در اجرای چند مأموریت مؤید همین حقیقت است. به‌عنوان نمونه، مشارکت عمومی در اجرای طرح‌های ویژه ترافیکی در ایام نوروز، کاهش قابل توجهی از حجم تصادفات و کاهش مرگ‌ومیر و صدمات انسانی در سطح جاده‌های کشور را در برداشت که قطعاً درصد قابل توجهی از این موفقیت ناشی از همکاری و مشارکت خود مردم و رانندگان در اجرای این طرح ملی بود. تجاری از این دست نشان می‌دهد که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در راستای اتخاذ یک سیاست جنایی مشارکتی در امر کنترل جرائم و برقراری نظم و امنیت اجتماعی به

همکاری و مشارکت همه‌جانبه مردم نیاز دارد، بنابراین باید تعامل و همکاری خود را با گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله گروه‌های سنی جوان، ساکنان محلات، نهادهای مختلف اجتماعی و حتی سازمان‌های دولتی بیش از پیش توسعه دهد.

نتایج این تحقیق با پژوهش‌های دعاگویان (۱۳۸۴)، ابوالقاسمی (۱۳۹۲)، خادمیان و افخمی (۱۳۹۲) که ذکر آن در پیشینه تحقیق آمده است، از این حیث که نتیجه تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس نقش مثبتی در افزایش سطح اعتماد، مشارکت، کاهش شکاف هنجاری و سهیم کردن مردم در طرح‌های پیشگیرانه دارد، هم سویی و مطابقت داشته؛ لیکن با تحقیق بابایی و نجیبیان (۱۳۸۷)، صرفاً از حیث استفاده از اجبار جهت مشارکت نهادهای جامعه‌ی در امر پیشگیری از جرم، با توجه به رویکرد ایجابی و نرم افزارانه این تحقیق همخوانی نداشته است.

در سایه ارتباط دوسویه تعامل با مردم است که پلیس می‌تواند به مدیریت پیشگیری از جرم که به‌عنوان علم و هنر به‌کارگیری کلیه امکانات مادی و معنوی پلیس به‌منظور برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری و نظارت و کنترل، برای دستیابی به اهداف سازمانی که همانا برقراری و حفظ نظم، امنیت و آرامش در جامعه و پیشگیری از وقوع جرائم با بسیج کلیه امکانات و منابع خود در سه حوزه وضعی، اجتماعی و کیفری انجام می‌دهد نائل شود.

پیشنهادها:

- برنامه‌ریزی در زمینه افزایش مهارت‌های ارتباطی و نحوه برخورد شایسته کارکنان پلیس با مردم؛
- برنامه‌ریزی در زمینه حل مشکلات انگیزشی کارکنان پلیس (حقوق و مزایا، منزلت اجتماعی و امور رفاهی)؛
- برنامه‌ریزی در زمینه اختصاص امکانات و نیروی متخصص در مدیریت پیشگیری از جرم با توجه به میزان آسیب‌پذیری هر نقطه از کشور؛
- هماهنگی با مراکز آموزش عالی کشور در زمینه جذب و استخدام نیروهای پیشگیری از جرم از میان دانشجویان رشته علوم اجتماعی و ارتباطات؛
- هماهنگی لازم با دستگاه‌های اجرایی، قضایی و فرهنگی در جهت تقویت تعاملات اجتماعی کارکنان پلیس با مردم در لایه‌های جمعیتی مانند: جوانان، مدارس، دانشگاه‌ها، آسیب دیدگان از جرم؛

- هماهنگی با صداوسیما و مطبوعات جهت اطلاع‌رسانی عملکرد کارکنان پلیس به‌منظور اعتماد افزایی و تقویت نقش مبادله‌ای؛
- هماهنگی با نهادهای مدنی از طریق برگزاری جلسات گفتگو و هم‌اندیشی با مردم در محلات جهت مشکلات امنیتی، اولویت‌بندی و رفع آن‌ها؛
- هماهنگی در زمینه تشکیل شورای هماهنگی پیشگیری از جرم در سطح ناجا، استان‌ها و شهرستان‌ها به‌منظور رفع مشکلات ساختاری؛
- سازماندهی نهادهای مردمی و مدنی در راستای تعامل و مشارکت در زمینه پیشگیری از جرم؛
- نظارت و کنترل بر عملکرد کارکنان پلیس با استفاده از ابزارهای رسمی و غیررسمی و رسیدگی به‌موقع به شکایت‌های مردمی.

منابع

منابع فارسی

- ابوالقاسمی پور، محسن (۱۳۹۲). بررسی و ارائه مدل پاسخگویی در نیروی انتظامی پیرامون بهبود تعامل مردم و نیروی انتظامی در استان خوزستان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور استان تهران.
- احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۹۲). آمار شکایات مردمی از عملکرد ناجا. وبگاه اطلاع‌رسانی خبرگزاری جمهوری اسلامی. کد خبر ۱۱:۱۲، تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۵، خبر ۸۰۸۴۸۸۹۲. بازیابی از: <http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=80848892>
- بابایی محمدعلی و نجیبیان، علی (۱۳۸۷). تعامل پلیس با نهادهای جامعه‌ی در پیشگیری از جرم (با تأکید بر تدبیر نظارت شخص ثالث). فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. ۳(۷)، صص ۷-۳۱. بازیابی از: http://www.jlj.ir/article_11079.html
- پور شکیبایی، پروش و جهانی، بهزاد (بهار ۱۳۹۶). پیشگیری وضعی از اسیدپاشی. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۴۵(۱۲)، صص ۳۳-۵۴. بازیابی از: goo.gl/T8TpCK
- ترنر. جانانان. اچ و بیگلی. ال (۱۳۷۱). پیدایش نظریه جامعه‌شناختی (عبدالعلی لهسایی زاده، مترجم). شیراز: نشر دانشگاهی.
- ترویانویچ، رابرت و بانی باکوروکس (۱۳۸۳). پلیس جامعه‌محور (مرکز مطالعات و

- تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، مترجم). تهران: انتشارات فرات.
- حسن دوست فرخانی، هادی؛ معصومه، زهرا و طباطبایی چهر، محبوبه (۱۳۹۱). بررسی الگوی ایده‌آل تعاملات اجتماعی از منظر مکتب اسلام. همایش ملی امر به معروف و نهی از منکر. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی خراسان شمالی. بازیابی از: <http://journals.nkums.ac.ir/index.php/marroof/article/view/2915>
- حسینی مقدم، سید علی و جربانی، حمید (زمستان ۱۳۸۸). بررسی محدودیت‌های اجرایی پلیس در پیشگیری انتظامی از جرم. فصلنامه انتظام اجتماعی. ۱(۴)، صص ۱۰۰-۱۲۶. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=133480>
- حق نظری، محمدرضا و شایگان، فریبا (زمستان ۱۳۹۵). نقش مشارکت نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۱(۴۴)، صص ۳۳-۵۲. بازیابی از: goo.gl/f5i5Sx
- خادهمیان، طلیمه و افخمی، مینا (پاییز ۱۳۹۲). تأثیر تعاملات اجتماعی بر اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی. فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی. ۶(۲۰)، صص ۳۹-۶۱. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=221884>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). امنیت؛ اولویت و موضوع درجه یک کشور (سخنرانی در جمع فرماندهان و مدیران نیروی انتظامی). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۹. بازیابی از: <http://www.leader.ir/fa/content/14943>
- دعاگویان، داوود (۱۳۸۴). ساختار جامع تعامل پلیس و مردم. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی ناجا.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناختی (محمدصادق مهدوی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- سلیمی سبحان، محمدرضا؛ یاری، منیر و حیدری، جهانگیر (۱۳۹۴). رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و منفعل سازی کانون‌های جرم خیز شهری. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۰(۳)، صص ۳۵-۶۲. بازیابی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=1472457&l=fa>
- صفاری، علی (بهار تا تابستان ۱۳۸۰). مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم. مجله تحقیقات حقوقی. ۱۷(۳۳ و ۳۴)، صص ۲۶۷-۳۲۱. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/71924>

- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۶). *ارتباطات انسانی* (جلد اول). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کلانتری، محسن؛ حیدریان، مسعود و محمودی، عاطفه (پاییز ۱۳۸۹). ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری با طراحی محیطی. *فصلنامه دانش انتظامی*. ۱۲(۳)، صص ۵۱-۷۴. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=153409>
- کوردنر، گری (۱۳۹۰). *کاهش ترس از جرم* (اسماعیل حسنونند و احسان حسنونند، مترجمان). تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- گری پی، فرارو (۱۳۷۹). *انسان شناسی فرهنگی* (غلامعلی شاملو، مترجم). تهران: سمت.
- گودرزی، آیت و دعاگویان، داوود (تابستان ۱۳۸۵). مبانی نظری ساختار تعامل پلیس و مردم. *فصلنامه دانش انتظامی*. ۸(۲)، صص ۳۲-۵۱. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?ID=79287>
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۴). *ارتباط شناسی*. تهران: سروش.
- موثقی گیلانی، احمد و عطارزاده، بهزاد (تابستان ۱۳۹۱). نقش و تأثیر فضای مجازی بر جنبش های اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر. *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۷(۳)، صص ۱۴۷-۱۹۱. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=175856>
- میلر، جرالد (۱۳۸۵). *ارتباط کلامی* (علی ذکاوتی قراگزلو، مترجم). تهران: سروش.
- نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد و سرکشیکیان، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *پیشگیری از جرم؛ از نظریه تا عمل با تأکید بر نقش پلیس*. تهران: شرکت ناجی نشر.
- نوروزی، نادر؛ امین صارمی، نوذر و صالحی تویسرکانی، فضل الله (بهار ۱۳۸۷). موانع و مشکلات جلب مشارکت های مردمی در کلانتری های شمال شرق تهران. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*. ۳(۸۱)، صص ۹۴-۱۰۱. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/913153>
- ویلیامسون، تام (۱۳۹۳). *راهنمای پلیس دانش محور، مفاهیم جاری و مسیرهای آتی* (علیرضا جزینی، مترجم). تهران: مرکز تحقیقات کاربردی ناجا.

منابع انگلیسی

- Radzinowicz, L & King. J (1977). *The growth of crime: the international experience*, London, Hamish Hamilton.
- Newman, O, (1972). *Defencible space, crime prevention through urban*

design, new york, macmillan.

- Martinson, Robert (1974). What works: Questions and answer about prison reform, the public interest, no: 35: 22-54. Retrieved from: goo.gl/6CyKZU

- Bright, J. (1991). Crime preventionL the british experience, in stenson & cowell, the politics of crime control, london. Sage. P. 62-82.

- Clarke, R.V.G. & Mayhew. P.m. (1980). Ibid, Handbook on crime and deviance, Springer.

- Wilson, J.Q. (1983). Thinking about crime, New York, Basic books inc. Publishers.

- Bentham (1891). The Theory of legislation from the french of etienne dument, by hildreth, R.(7th ed). London, kegan paul, p 341.